

بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره

معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد

بیژن زارع*، ابوالفضل اصل روستا**

چکیده

کم و کیف ارزش‌های اجتماعی گروه‌های مختلف یک جامعه به‌ویژه گروه‌های نسلی، معیار بسیار خوبی برای سنجش تغییر و تحولات اجتماعی است. مطالعه تجربی در این خصوص از یک سو می‌تواند به افزایش معرفت و دانش جامعه کمک کند و از سوی دیگر داده‌های پایه لازم را جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اجرایی در حوزه فرهنگی و اجتماعی فراهم آورد. بر این اساس، این پژوهش سامان یافته است. برخلاف بیشتر تحقیقات انجام‌شده که جمعیت مورد مطالعه آنان را ساکنان کلان‌شهر تهران یا شهرهای مرکز استان‌ها تشکیل می‌دهند، این تحقیق به مطالعه جامعه‌شناسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل در باب معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد در استان تهران در سال ۱۳۸۴ پرداخته است. نمونه مورد مطالعه را یکصد و بیست جفت برگرفته از والدین و فرزندان تشکیل داده است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پرسش‌نامه برگرفته از پژوهش‌های قبلی بوده که پس از آزمون مقدماتی و نهایی شدن آن، با استفاده از مصاحبه حضوری تکمیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین ارزش‌های اجتماعی دو نسل در زمینه انتخاب همسر از قبیل سن مناسب برای ازدواج پسر و دختر، ارجحیت زیبایی یا نجابت همسر، ارجحیت تحصیلات بالا یا اصالت خانوادگی همسر، معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر و ازدواج فامیلی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های اجتماعی، تفاوت نسلی، معیارهای انتخاب همسر، شکاف نسلی.

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران، dr_bizhanzare@yahoo.com

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

کم و کیف گرایش‌ها و باورهای نسل جوان جامعه ایرانی و نسبت آن با گرایش‌ها و باورهای نسل‌های پیشین به یکی از پرسش‌های محوری جامعه ایرانی تبدیل شده است. بایستی به این نکته اذعان داشت و نمی‌توان در باب آن تردید روا داشت که برخی باورها و الگوهای رفتاری نسل جوان با نسل پیشین متفاوت است. این تفاوت‌ها و سویه و معنای آن گرچه در ابتدای امر به واسطه دلالت آن در عرصه سیاسی مطمح نظر قرار گرفته، لیکن علت آن را باید در ابعاد عمیق‌تر اجتماعی و فرهنگی جامعه جستجو کرد. به عبارت دیگر، می‌توان پرسش از کم و کیف باورها و گرایش‌های نسل جوان را یک پرسش عمومی در زمینه الگوی کنترل اجتماعی محسوب کرد. آیا نظام ارزشی و هنجاری جامعه ایرانی در شرایط فعلی در بازتولید هنجارهای تداوم بخشنده به نهادهای خرد و کلان اجتماعی با موفقیت و کارآمدی قابل قبولی عمل می‌کند؟ در این زمینه با کدام اختلال‌های بنیادین مواجهیم و چشم‌انداز تحولات آینده چگونه است؟

البته پاسخ‌گویی به این پرسش مسبوق به تعیین حد و انتظاری است که از نسبت میان نسل‌ها با یکدیگر داریم و این که کارکرد به‌سامان و مقبول یک نظام ارزشی و هنجاری را چگونه درک می‌کنیم. تصور نظم اجتماعی کاملاً همگن و وحدت‌یافته تحت یک نظم هنجاری خدشه‌ناپذیر را باید یک آرمان‌شهر دانست که سابقه آن به جامعه آرمانی افلاطون برمی‌گردد و کمتر در ادبیات جامعه‌شناسی ریشه دارد.

در سنت تفکر دورکیمی ارزش‌ها و هنجارها هستی و موجودیتی فرافردی دارند و گسست در آن‌ها در ساختار روان‌شناختی فردی و ساختار ارزشی و هنجاری و رفتاری فرد نیز پیامدهایی به همراه خواهد داشت. اما در الگوهای فایده‌گرایانه از نظم اجتماعی پذیرش ارزش‌ها و هنجارها با انتخاب عقلانی و محاسبه هزینه - فایده از سوی کنش‌گران اجتماعی صورت می‌گیرد.

در ایران پس از انقلاب همراه با افزایش شدید نرخ رشد جمعیت، نسبت جمعیت جوان به کل جمعیت کشور افزایش یافت. بر اساس آمار ارائه‌شده از سوی سازمان ملل

متحد در سال ۲۰۰۳ میلادی، ایران دارای دومین جمعیت جوان پس از عربستان سعودی در جهان است (زارع، ۱۳۸۴: ۲۲۹). در نتیجه جامعه با خیل عظیم جوانان روبه‌رو شده است.

بر همین اساس صاحب‌نظران عموماً از آثار و پیامدهای دوره‌های سنی غافل نیستند و معتقدند نسل جوان در هر جامعه با توجه به مقتضیات سنی خود، دارای طبعی نوظهور و خواهان استقلال شخصی است و در مرحله‌ای از رشد تکوینی خویش به سر می‌برد که در برابر منابع سنتی نظام باورها و رفتارهای اجتماعی، نقش معترض را ایفا می‌کند. شاید بر همین اساس باشد که جوانان در تمامی جوامع معمولاً به نظم اجتماعی موجود کمتر متعهدند و بیشتر مستعد ایجاد تغییر و دگرگونی در این نظام هستند. در مقابل، نسل بزرگ‌سال محافظه‌کارتر و حافظ نظم اجتماعی است و با منابع سنتی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی پیوند محکم‌تری دارد (لاور، ۱۳۷۳: ۱۸۹).

اهمیت مطالعه در باب ارزش‌های اجتماعی به‌طور عام و خانواده به‌طور خاص از دیدگاه نسلی (فرزندان و والدین) از این جهت است که این نوع مطالعات از یک سو، به افزایش معرفت و دانش جامعه‌شناختی در ایران کمک می‌کند و از دیگر سو، به متولیان و دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجرایی به‌ویژه در حوزه فرهنگ یاری می‌رساند تا هزینه‌های تغییرات اجتماعی را به حداقل ممکن برسانند. به‌علاوه، برخلاف تحقیقات انجام‌شده قبلی که در قالب طرح‌های ملی و استانی در این زمینه در تهران و شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها به اجرا در آمده است، این تحقیق، در شهر هشتگرد از شهرهای استان تهران به انجام رسیده است. با مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیقات انجام‌شده قبلی می‌توان چگونگی تغییر ارزش‌های دو نسل را در باب ارزش‌های مرتبط با معیارهای انتخاب همسر در شهرهای کوچک‌تر نشان داد. اما باید به این نکته اشاره کرد که مطالعه در باب تغییرات ارزشی جوانان و به‌ویژه تفاوت ارزشی دو نسل جوانان و والدین در ایران، بدون توجه به دو عامل افزایش جمعیت و

قابلیت‌های جوانان در تأثیرپذیری ارزشی ناقص خواهد بود. بر این اساس تحقیق حاضر سعی خواهد کرد پاسخ مناسبی برای سؤالات زیر ارائه کند:

ارزش‌های اجتماعی دو نسل (فرزندان - والدین) در باب انتخاب همسر در چه زمینه‌هایی با یکدیگر تفاوت دارد؟

در مجموع، سیمای کلی ارزش‌های اجتماعی دو نسل (فرزندان - والدین) در باب انتخاب همسر، چه وضعیتی را نشان می‌دهد؟

براساس دسته‌بندی ارزش‌های دو نسل (فرزندان - والدین) به مادی / فرامادی هر کدام به چه گروهی از ارزش‌ها در زمینه انتخاب همسر گرایش دارند؟

پیشینه تجربی

مطالعات گسترده‌ای در زمینه ارزش‌های اجتماعی و تحولات آن در جهان غرب از حدود سال‌های ۱۹۷۰ به بعد آغاز شده و تا ۱۹۸۶ به اوج خود رسیده و تاکنون نیز ادامه یافته است. از جمله مهم‌ترین این مطالعات، کتاب ارزشمند تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی به قلم اینگلهارت استاد علوم سیاسی دانشگاه میشیگان است. وی کوشیده است با استفاده از مطالعات متعدد انجام‌یافته در کشورهای اروپایی و آمریکایی در طی سال‌های یاد شده، تحول ارزش‌ها را در جوامع صنعتی مورد بررسی قرار دهد. او به این نتیجه می‌رسد که در این جوامع خواسته‌های انسان‌ها در زندگی دستخوش تحول گردیده است و گرایش به ارزش‌های مادی در نسل گذشته به علت ارضای این نیازها (غذا، پوشاک، مسکن و...) در نسل جدید جای خود را به گرایش به ارزش‌های فرامادی داده است. به گفته اینگلهارت «چنین به نظر می‌آید که ارزش‌های مادی / فرامادی بخشی از نشانگان گسترده گرایش‌هایی است که انگیزش نسبت به کار، فعالیت سیاسی، محیط زیست، انرژی هسته‌ای، نقش دین در زندگانی مردم، احتمال ازدواج و تشکیل خانواده، داشتن بچه، نقش زنان، طلاق و سقط جنین را در بر می‌گیرد. همه این‌ها کاملاً مربوط می‌شوند به این که شخص ارزش‌های مادی یا

فرامادی داشته باشد و این که نگرش گروه‌های سنی جوان‌تر با نگرش‌های گروه‌های سنی بزرگ‌تر تفاوت دارد» (اینگلهارت ۱۳۷۳: ۴۷۹؛ همو، ۱۳۸۲: ۱۲۸-۱۰۹). در مجموع، وی به این جمع‌بندی می‌رسد که تفاوت ارزش‌های نسلی بیشتر تحت تأثیر محیط اقتصادی-اجتماعی است که نگرش فرد در طول سال‌های پیش از بلوغ در آن شکل می‌گیرد و با تغییر شرایط محیط اقتصادی-اجتماعی اولویت‌های ارزشی نسل جوان که دوره پیش از بلوغ را پشت سر گذارده، متفاوت با نگرش‌های نسل پیش از خود خواهد بود.

علاوه بر دیدگاه کلان که ناظر به بررسی موضوع شکاف یا پیوستگی نسلی است، دیدگاه خرد بر روابط بین نسلی در سطح خانواده‌ها متمرکز است. در این دیدگاه، آنچه اهمیت دارد پیوستگی و انسجام بین شخصی است و زمان به لحاظ وقایع مربوط به رشد فرد و چرخه زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع چگونگی جامعه‌پذیری فرد برای ورود به دوره بلوغ و انتقال ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها حایز اهمیت است (فیدر، ۱۹۷۵). در این باره مطالعات متعددی صورت گرفته است (روکیچ، ۱۹۷۳: ۳۸-۲۲۲؛ هوف و بندر به نقل از خلیفه، ۱۳۷۸: ۶-۱۴۵؛ شوارتز و گیسون، ۱۹۹۸؛ مور، ۱۹۹۹).

برخی از تحقیقات داخلی نیز به اختلافات بسیار جزئی در ترجیحات ارزشی دو نسل جوان و بزرگ‌سال نظر دارند. به عنوان مثال، جلیلی (۱۳۷۷) با تحلیل ثانویه بخشی از داده‌های اولیه فرهنگی، به این نتیجه رسیده است که چیزی به نام شکاف فرهنگی وجود ندارد و در بررسی تفاوت‌های ارزشی نیز تنها تغییرات ناچیزی به چشم می‌خورد که با روندی ثابت و یکسان هر دو نسل جوان (۲۴-۱۵ ساله) و سالخورده (۶۵ سال به بالا) را تحت الشعاع قرار می‌دهد که این میزان نیز قابل اعتنا نیست. وی، در نهایت به این نتیجه می‌رسد که فاصله نسلی بر اساس ارزش‌های اجتماعی در سال ۱۳۷۴، (پژوهش محسنی)، در مقایسه با سال ۱۳۵۶ (پژوهش اسدی و محسنی) حتی کاهش پیدا کرده است (جلیلی، ۱۳۷۷: ۶۳).

جلیلود نیز در تحقیق خود در باب ارزش‌های اجتماعی دو نسل مادران و دختران به این نتیجه رسیده که تفاوت معناداری از این حیث بین دو نسل وجود ندارد (جلیلود، ۱۳۷۶). در این باب، تحقیقات دیگری انجام گرفته که هم بر شباهت ارزش‌های اجتماعی بین دو نسل و هم بر تفاوت و نه تضاد و شکاف تأکید دارند (توکلی، ۱۳۷۸؛ توکلی، ۱۳۸۰؛ عظیمی هاشمی، ۱۳۷۷؛ غلامرضا کاشی و گودرزی، ۱۳۸۴؛ کاظمی پور، ۱۳۸۷؛ غلامرضا کاشی، بی تا؛ محسنی، ۱۳۷۹).

داریاپور نیز در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی رابطه اولویت‌های ارزشی شهروندان تهرانی با جنسیت» به این نتیجه رسیده است که از میان ده نوع ارزشی، تفاوت زنان و مردان در نوع‌های ارزشی جهان‌گرایی (انسان‌دوستی)، برانگیختگی و لذت‌گرایی معنادار است: ضمن آن‌که، زنان در مقایسه با مردان، اولویت بالاتری برای ارزش‌هایی نظیر عدالت، صداقت، سلامت، استقلال، مذهب و جهان‌زیبا قایل‌اند و تفاوت آن‌ها با مردان در این موارد معنادار است (داریاپور، ۱۳۸۱).

ملکی نیز در پژوهش «بررسی رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان» به این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با ارزش‌های زیباشناختی و ارزش‌های اقتصادی رابطه مستقیم و با ارزش‌های مذهبی رابطه معکوس وجود دارد. در حالی که اولویت‌های ارزشی نوجوانان بیشتر مادی است، اما در این مورد تفاوت معنی‌داری بین نوجوانان طبقات مختلف وجود ندارد (ملکی، ۱۳۷۵). سرانجام، باید به این نکته نیز اشاره کرد که تحقیقات معدودی به اختلافات ارزشی و شکاف نسلی بین فرزندان و والدین اشاره دارند (تیموری، ۱۳۷۷؛ عباسی، ۱۳۸۰).

در یک جمع‌بندی کلی از مطالعات تجربی خارجی و داخلی می‌توان گفت که غالب این تحقیقات بر تفاوت بین نسلی در زمینه ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند و کمتر بر تضاد و شکاف بین نسلی در این باب اشاره دارند. بدین ترتیب که میان گروه‌های سنی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. یعنی می‌توان تحلیل

یافته‌ها را یکبار بر مبنای شباهت‌ها و دیگر بار بر مبنای تفاوت‌ها سامان داد (غلامرضا کاشی، بی‌تا: ۳۴).

مرور نتایج حاصل از مطالعات متعددی که درباره شکاف یا پیوستگی نسلی صورت گرفته است، نشان می‌دهد که توافقی میان دانشمندان و پژوهش‌گران در مورد پیوستگی یا گسستگی ارزش‌های اجتماعی در میان نسل‌ها وجود ندارد. ضمن آن که این تحقیقات از مقیاس‌های مختلفی برای سنجش ترجیحات ارزشی دو نسل استفاده کرده‌اند که امکان مقایسه نتایج این تحقیقات را دشوار می‌سازد. در عین حال، می‌توان شقوق مختلف ذیل را تشخیص داد:

- وجود فاصله بسیار وسیع بین نسل‌ها در جامعه مدرن ممکن است به تحول انقلابی منجر شود.

- شکاف نسل‌ها که بیش از حد بر آن تأکید شده است، وهم و خیالی بیش نیست و آن چه واقعیت دارد این است که پیوستگی زیادی بین نسل‌ها به چشم می‌خورد.
- در ابعاد مهم زندگی (مانند ارزش‌های اجتماعی) پیوستگی میان نسل‌ها وجود دارد، اما در ابعادی از زندگی که اهمیت کمتری دارند (مانند عقاید سیاسی یا تمایلات جنسی) ناپیوستگی و اختلاف مشاهده می‌شود (فیدر، ۱۹۷۵).

چهارچوب نظری و مفهومی

محققان در زمینه تغییرات اجتماعی سه فرآیند را مهم دانسته‌اند. اساسی‌ترین این فرآیندها توسعه اقتصادی - اجتماعی است (لویس، ۱۹۵۵؛ بل، ۱۹۷۳؛ چیروت، ۱۹۸۶؛ پرکین، ۱۹۹۶؛ استس، ۱۹۹۸؛ هوفس، ۱۹۹۹). همه این آثار در این نکته متفق‌اند که توسعه اجتماعی - اقتصادی مجموعه به هم پیوسته‌ای از تغییرات از جمله رشد تولید، بهبود سطح بهداشت و امید به زندگی، رفاه مادی بیشتر، ارتباطات گسترده‌تر و پیچیدگی اجتماعی بیشتر است (اینگلهارت و همکاران، ۱۳۸۲).

فرآیند دوم، یعنی تغییرات ارزشی، با توسعه اجتماعی - اقتصادی در ارتباط است، امید به زندگی را افزایش می‌دهد و سطح امنیت زیستی را بالاتر می‌برد. علاوه بر این، بازارهای در حال گسترش و تحرک اجتماعی، تعامل انسان‌ها و شبکه‌های هم‌تراز غیر اقتدارگرایانه^۱ را در میان جوامع افزایش می‌دهد که موجب جایگزینی روابط مبتنی بر مذاکره و چانه‌زنی به جای روابط مبتنی بر اقتدار شده و انسان‌ها را از قیود خشک سلسله‌مراتبی که آزادی عمل^۲ بشر را از او می‌ستانند، می‌رهاند (وبر، ۱۹۵۴؛ اکستاین، ۱۹۸۸؛ کلمن، ۱۹۸۸). هنگامی که چنین اتفاقی بیفتد، جهت‌گیری ارزشی افراد تغییر می‌کند.

سومین فرآیند عمده به نهادهای سیاسی جامعه مربوط می‌شود. بارزترین پیشرفت در این زمینه عبارت بوده است از افزایش چشم‌گیر اعمال دموکراتیک جوامع. اگرچه، برخی از نویسندگان نیز وجود فرآیند توسعه اجتماعی - اقتصادی، تغییر ارزشی و دموکراتیک شدن را مورد تردید قرار داده‌اند (ر.ک راندال و ثوبالد، ۱۹۹۸) اما در یک نکته تردیدی نیست و آن این است که توسعه اجتماعی - اقتصادی، تغییرات فرهنگی و دموکراتیک شدن در جامعه همواره به صورت همبسته و همراه یکدیگر رخ می‌دهند (ولز و همکاران، ۱۳۸۲).

به نظر روکیچ ارزش، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که در نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد ترجیح می‌دهد (روکیچ، ۱۹۶۸). چلبی نیز در خصوص ارزش‌ها می‌گوید: ارزش‌ها را می‌توان مجموعه‌ای از پنداشته‌های اساسی نسبت به آن‌چه پسندیده است دانست که تجلی‌گاه عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهان در جامعه هستند (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۰). متفکر دیگری، ارزش را این‌گونه تعریف می‌کند: «ارزش عبارت است از اعتقاد کلی درباره رفتارهای مطلوب و نامطلوب، اهداف یا حالت‌های غایی. ارزش‌ها استانداردها یا

¹. Horizontal Network

². Autonomy

معیارهایی برای ارزیابی اعمال و پیامدها، قضاوت کردن درباره ایده‌ها و اعمال، طرح‌ریزی و هدایت اعمال، مقایسه کردن خود با دیگران و مدیریت تعاملات اجتماعی را فراهم می‌آورند» (سیلیلی و همکاران، ۱۹۹۸). چلبی در این باره می‌گوید: ارزش‌ها نه صرفاً ذهنی و نه صرفاً عینی هستند؛ بلکه ارزش‌ها اموری "عینی - ذهنی" اند. هم‌چنین تا آن‌جا که به فرد انسانی مربوط است می‌توان برای ارزش بعد "تمناپذیر" قایل شد که خود ناشی از تمایلات شناختی و عاطفی فرد است. از طرف دیگر، تا آن‌جا که به جامعه به عنوان یک متن مربوط می‌شود، می‌توان بعد معنایی و مفهومی برای ارزش قایل شد و آن را ناشی از تعاملات گفتمانی در جامعه دانست (چلبی، ۱۳۸۳: ۲۴).

به علاوه، هرگاه در جامعه‌شناسی از ارزش‌ها صحبت می‌شود، منظور ارزش‌های اجتماعی است. معمولاً رابطه مستقیمی میان ارزش‌ها، هنجارها، قضاوت‌ها یا نحوه عکس‌العمل جامعه وجود دارد (موخی، ۱۹۹۵: ۲۰۹)؛ ارزش‌های اجتماعی سبب می‌شود که زندگی با معنا و هدفمند باشد و به یک نگرش سازنده منتهی شود. در مجموع می‌توان با توجه به موارد یادشده ارزش را این‌طور تعریف کرد: ارزش‌ها، معیارها، استانداردها و عناصر مرکزی در جهت‌دهی به رفتار افراد در جامعه هستند. در این رابطه و با توجه به این که موضوع این مقاله پژوهشی مطالعه تفاوت‌های ارزشی دو نسل است، به اجمال به طرح نظریات اندیشمندان علوم اجتماعی حول مفهوم نسل می‌پردازیم.

از کارل مانهایم می‌توان به عنوان اولین نظریه‌پرداز که مفهوم نسل را وضع کرده است، نام برد. مانهایم از "برخورد تازه" در اثر شکل‌گیری نیروی گذر زمان که به بازبینی فرهنگی می‌پردازد، یاد می‌کند (به نقل از یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۰-۲۱). واحد نسلی مرکزی‌ترین عنصر بحث مانهایم است. واحدهای نسلی، خرده‌گروه‌هایی در درون نسل هستند که به شیوه‌های گوناگون و خاص در مورد مصالح وجود مشترک‌شان عمل می‌کنند (بورگتا و بورگتا، ۱۹۹۲: ۹۴۹). مانهایم برای نخستین بار تأکید می‌کند که

¹. Fresh_Contact

"نسل" یک موجودیت اجتماعی و نه یک ضرورت بیولوژیکی است. از نظر وی، نسل محل ظهور و انتقال و تداوم جهت گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی - تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معین در آن رشد کرده، ریشه دارد. این جهت گیری‌ها به صورت اهداف، نیات و راه‌حل‌های نو برای مشکلات حیاتی جامعه به شکل تکامل و ظهور یک "سبک نسلی" ظاهر می‌شود (رمپل، ۱۹۶۵: ۵-۶).

در نهایت، مانهایم معتقد است با وجود ترکیب ارزش‌های قدیم و جدید در هر دوره، نوآوری‌های ارزشی و فرهنگی و تولید سبک‌های زندگی نو اساساً کارکرد نسل‌های نوظهور تاریخی است که معمولاً نسل‌های دیگر را، که به سبک‌های معمول و جاری اندیشه و عمل عادت کرده و انتظاراتی متفاوت با آن‌ها دارند، آشفته و بدبین و وحشت‌زده می‌کند و موجب تعارض‌های جدی نسلی می‌شود (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

با این حال او سه بعد را برای نسل تشخیص می‌دهد: جایگاه نسلی^۱، نسل به مثابه یک واقعیت^۲، واحد نسلی.

جایگاه نسلی، تعیین‌کننده حوزه کسب تجربه است و به افرادی که در یک دوره زمانی و فضای اجتماعی - فرهنگی یکسان متولد شده‌اند و کسانی که مقدار مشترکی از وقایع تاریخی را بازنمایی می‌کنند، مرتبط است. نسل به عنوان یک واقعیت، به تشخیص تجربیات افرادی که در فضای تاریخی و فرهنگی مشترک متولد شده‌اند، کسانی که احساس می‌کنند با معاصران‌شان مرتبط هستند، بستگی دارد. چراکه به لحاظ تاریخی سرنوشت مشترکی دارند (دیپ استراتن و همکاران، ۱۹۹۹).

برخی از صاحب‌نظران مفهوم "جایگاه نسلی" را معادل "گروه سنی"^۳ می‌دانند. "جایگاه نسلی" بیانگر موقعیت اجتماعی یک نسل است که آن را با افراد نسل دیگر متفاوت می‌سازد. ایزنشتاد نیز در تحلیلی از نسل و روابط بین نسلی به خوبی نشان

1. Generation location

2. Generation as an actuality

3. Age cohort

می‌دهد که هر نسل از جامعه، اشیاء و زندگی مبتنی بر شرایطی که در آن رشد یافته، تجاربی را کسب کرده که رفتار وی را با نسلی که در شرایط دیگری رشد کرده است، متفاوت می‌گرداند. وی در عین حال، متذکر می‌شود که در جوامع پیچیده مبتنی بر تحولات سریع، تضاد نسلی غیر قابل اجتناب است (روشه، ۱۳۶۶: ۱۳).

وجهی از تضاد نسلی، "شکاف نسلی"^۱ است. "شکاف نسلی" به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری مابین دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد کهن سال و میان‌سال با وجود این که در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند. شکاف نسلی هنگامی محقق می‌شود که واحدهای نسلی شکل بگیرد.

مطابق نظر مانهایم، جامعه به یک سلسله لایه‌های سنی تقسیم می‌شود. هر لایه شامل اعضای است که از نظر سنی هم‌سان هستند و رفتارشان از طریق مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و هنجارها به منظور مطابقت با رفتار گروه سنی‌شان، هدایت می‌شود. وظایف و امتیازات در ارتباط با قشرهای سنی بر اساس خصلت‌های فردی، تغییر می‌کند ولی همیشه تحت تأثیر جنبه ساختی سن می‌باشد. بنابراین در یک جامعه، نسل‌های مختلف ممکن است به طور گسترده گرایش‌های متباینی در مورد مسئولیت فرزندی، انتظارات در مورد استقلال فرزندان و سایر ارزش‌های اجتماعی داشته باشند (به نقل از بورگتا و بورگتا، ۱۹۹۲).

در خصوص پدیده تفاوت و یا پیوستگی نسلی نظریات متفاوتی وجود دارد. جامعه‌شناسان با استفاده از هر دو رویکرد جامعه‌شناختی خرد و کلان به بررسی این موضوع پرداخته و به نتایج قابل توجهی رسیده‌اند. در این باره، بنگستون و بلاگک معتقدند در سطح تحلیل کلان که واحد تحلیل نسل است، ابعاد روابط نسلی متوجه انسجام بین نسلی است. زمان از بعد تاریخی، که توالی نسل‌های مختلف را با خود

¹. Generation gap

همراه دارد، مد نظر است و موضوع جامعه‌پذیری با در نظر گرفتن جایگزینی نسلی مطرح می‌شود (فیدر، ۱۹۷۵: ۱۲۰).

اصولاً، در دیدگاه جامعه‌شناختی کلان، اعتقاد بر این است که تحولات سریع اجتماعی - فرهنگی به معنای وسیع آن عامل اساسی و مؤثر در ایجاد شکاف میان نسل‌هاست. مارگارت مید براساس مفهوم زمان، سه نسل و فرهنگ را به نیاکان‌گرا، هم‌سان‌گرا و جوان‌گرا تقسیم می‌کند و در این خصوص توضیح می‌دهد که پیوستگی فرهنگی نسل‌ها، که عامل انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است، در جامعه کنونی از میان رفته و نسل‌های مختلف به واسطه رشد سریع اکتشافات علمی، انقلاب فناوری و توسعه وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات، امکان درک یکدیگر و گفت‌وگوی با هم را از دست داده‌اند. به زعم وی، شکاف نسلی جهانی است و تنها بیگانگی نسل جوان مطرح نیست بلکه به همان اندازه باید به بیگانگی بزرگسالان نیز توجه کرد. آنچه از یاد رفته، ارتباط حقیقی و درست در گفت‌وگوهاست و این هر دو گروه، معانی موجود در گفت‌وگوها را درک نمی‌کنند (مید، ۱۳۷۴: ۵۹ - ۵۰).

بورديو، جامعه‌شناس فرانسوی نیز مسئله نسل‌ها، روابط نسلی و تضاد و تقابل میان نسل‌های مختلف در عرصه‌های اجتماعی گوناگون را مورد تحلیل قرار داده است. وی، چالش‌های بین نسلی را همانند سایر تعارضات اجتماعی، مستقل از طبقه و نظام قشر بندی اجتماعی یا به تعبیر او نظام‌های سلطه و نابرابری در عرصه‌های مختلف، نمی‌داند و در چهارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی به تحلیل روابط و تعارضات نسلی در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فکری - فرهنگی می‌پردازد (بورديو، ۱۹۸۴: ۱۱۴).

از نظر بورديو، جوانی و پیری، اموری عینی و واقعی نیستند بلکه یک ساختار اجتماعی^۱ هستند که در نتیجه مبارزه میان پیر و جوان در میدان‌های مختلف اجتماعی به وجود می‌آید. بنابراین رابطه میان سن اجتماعی^۲ و سن بیولوژیکی^۳، پیچیده است.

1. Social structure

2. Social age

3. Biological age

به عقیده وی، هر میدان^۱ - فضای روابط عینی میان کنش‌گران و عاملانی که جایگاه‌های مختلفی در این فضا دارند - دارای قوانین سنی ویژه‌ای است (همان: ۱۴۴-۱۴۵).

بدین ترتیب، بورديو به جای تبیین شکاف نسل‌ها با معیارهای ذهنی، با رویکردی عینی به تبیین تعارضات نسلی برحسب جایگاه استراتژیک و عصری هر نسل در رابطه با مجموعه‌ای از منابع و نبرد نسل‌ها برای استفاده انحصاری از منابع مذکور می‌پردازد؛ منابعی که در واقع محصول شرایط تاریخی هر نسل است و دستیابی و بهره‌برداری از آن، چنان‌که ترنر نیز یادآور شده است، مستلزم نوعی هویت و همبستگی نسلی است که از سوی یک نسل علیه نسل‌های رقیب سازمان می‌یابد (ترنر، ۱۹۹۸: ۳۰۲).

در دهه هشتاد رونالد اینگلهارت داده‌هایی را که از فرهنگ‌های مختلف جمع‌آوری کرده بود، با توجه به عواملی هم‌چون نسل، زمان و سن مورد تحلیل قرار داد. وی می‌گوید: تغییر ارزشی روندی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد، نه به‌طور مداوم از سالی به سال دیگر (به نقل از یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۲).

اینگلهارت در کار خود حضور مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام را باعث بروز تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب، پیامدهایی برای نظام می‌داند. ولی، تغییرات در سطح نظام را شامل توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیع‌تری از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی مثل فقدان جنگ و گسترش ارتباطات جمعی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی قلمداد می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

اینگلهارت، در آزمون فرضیه اجتماعی شدن نسل‌ها و تفاوت‌های ارزشی میان گروه‌های سنی، دست به یک تحلیل چند متغیری می‌زند که متغیر تابع آن نمایه ارزش‌های مادی / فرامادی است. متغیرهای پیش‌بینی‌کننده عبارت‌اند از گروه سنی پرسش‌شونده، درآمد، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و وضعیت اشتغال (همان: ۹۹). به

^۱. Field

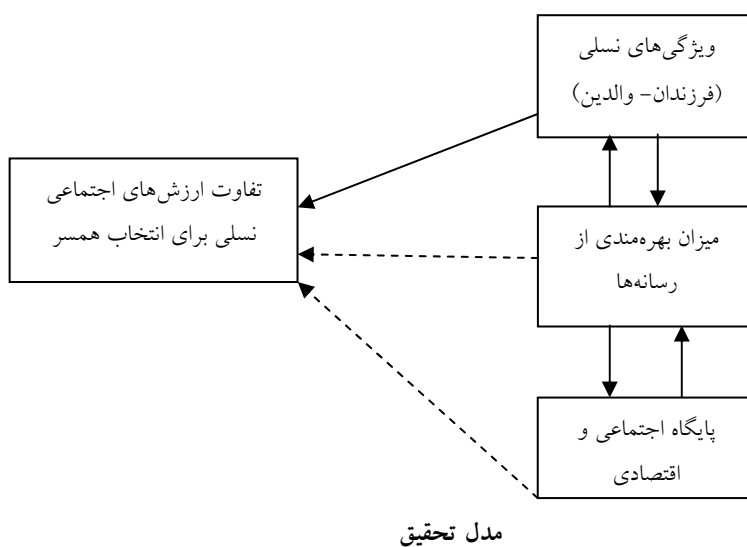
نظر اینگلهارت، یکی از مؤلفه‌های مهم دگرگونی ارزشی، جایگزینی نسلی است. بدین ترتیب که، اینگلهارت صنعتی شدن و مدرنیزاسیون را دو مفهوم کلیدی در تغییرات اجتماعی به‌طور اعم و تغییرات ارزشی به‌طور اخص دانسته و در این باب می‌گوید رشد سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش و اشاعه رسانه‌های جمعی منجر به تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها می‌شود (فراری، ۲۰۰۰).

اینگلهارت و آبرامسون در تئوری تغییر ارزش‌های بین نسلی تأکید می‌کنند که افزایش تحصیلات رسمی و تجارب شغلی به افراد کمک می‌کند استعدادها را جهت تصمیم‌گیری مستقل افزایش دهند (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰). از طرف دیگر، میزان دسترسی گسترده نسل جوان به رسانه‌هایی نظیر ماهواره و اینترنت را باید مورد توجه قرار داد که به‌طور کیفی موقعیت این نسل را با نسل‌های پیشین به کلی متفاوت کرده است. این پدیده ممکن است از یک سو، موجبات تضعیف موقعیت نهاد خانواده را فراهم آورد و به این ترتیب شکاف میان گروه‌های نسلی جدید و نسل‌های پیشین، از این حیث محل توجه باشد که گروه‌های نسلی جدید کمتر فرآیند جامعه‌پذیری خود را در خانواده سپری می‌کنند. از سوی دیگر، ممکن است این پدیده نه تنها موقعیت نهاد خانواده را تضعیف نکند بلکه در این باره، خانواده خود عامل و محرک تحولات محسوب شود.

سرانجام، روکیچ عوامل شکل‌دهنده باورها، گرایش‌ها و ارزش‌ها (ابزاری یا غایی)، را تشابهات فرهنگی، نظام اجتماعی، کاست و طبقه، جنس، شغل، تحصیل، مذهب، جامعه‌پذیری و تمایلات سیاسی افراد می‌داند. وی بروز تغییر در نظام ارزشی افراد را ناشی از تأثیر دو دسته عوامل شخصیتی و عوامل فرهنگی، نهادی و اجتماعی می‌داند. روکیچ درباره دسته دوم، اذعان دارد که ارزش‌ها، محصول نیروهای شخصی، نهادی و فرهنگی هستند که بر افراد تأثیر می‌گذارند. نهادهای اجتماعی گوناگون که فرد در سراسر زندگی‌اش در یک فرهنگ مشخص در معرض آن قرار می‌گیرد، نماینده و عامل انتقال به شمار می‌روند.

این نهادهای اجتماعی ممکن است یکدیگر را در ارزش‌هایی که ترویج می‌کنند تقویت نمایند، ولی در عین حال ممکن است در اولویت‌هایی که به ارزش‌های خاصی می‌دهند با هم رقابت کنند (روکیچ، ۱۹۶۸).

اما به هر روی اثر تحولات فناوری جدید بسیار پر دامنه و قابل توجه است. مطابق با این نظر از جمله پیامدهای تحولات یادشده، مادام‌العمر شدن دوره آموزش و شتاب‌گیری تحولات اجتماعی ناشی از آن است. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که هرچه بر تراکم تحولات فناوری افزوده می‌شود شاهد آن خواهیم بود که در یک مقطع زمانی خاص خطوط تقاطع تحولات فناوری متنوع در مقاطع گوناگون، یک نسل و نسبت آن با نسل‌های دیگر را متأثر می‌کند و بدین ترتیب، وضعیت یک نسل را با نسل قبل از خود به‌ویژه از جهت تحولات ارزشی و نگرشی و میزان آگاهی‌ها کاملاً متمایز می‌سازد (غلامرضا کاشی، بی تا: ۳۸-۶). در مجموع، این پژوهش می‌کوشد با تمرکز بر دو نسل والدین و فرزندان به بررسی وجود شکاف یا پیوستگی ارزشی و میزان آن پردازد. بر این اساس سعی خواهد کرد تا تفاوت‌ها و شباهت‌های ارزشی دو نسل در زمینه انتخاب همسر را جستجو کند.



فرضیه اصلی: در زمینه انتخاب همسر تفاوت ارزش‌های اجتماعی دو نسل (فرزندان - والدین) با یکدیگر معنادار است.

فرضیات فرعی:

۱. پایگاه اجتماعی - اقتصادی دو نسل (فرزندان - والدین) با یکدیگر تفاوت معناداری دارد.

۲. میزان استفاده دو نسل (فرزندان - والدین) از رسانه‌ها با یکدیگر تفاوت معنادار دارد.

روش تحقیق و تکنیک گردآوری داده‌ها

این تحقیق از نوع پیمایشی و توصیفی - تبیینی است. به لحاظ معیار زمان، مطالعه مقطعی و به لحاظ معیار ژرفایی از نوع پهنانگر است. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه مصاحبه با استفاده از ابزار پرسش‌نامه است. برای این منظور، بعد از تهیه پرسش‌نامه اولیه و انجام آزمون مقدماتی و تهیه پرسش‌نامه نهایی، اقدام به جمع‌آوری داده‌ها شده است.

جمعیت آماری: جمعیت آماری پژوهش، جوانان واقع در سنین ۲۵-۲۰ سال و والدین واقع در سنین ۶۰-۴۰ سال هستند که در سال ۱۳۸۴ یعنی زمان تحقیق در شهر هشتگرد در استان تهران ساکن بوده‌اند. با توجه به دشواری مطالعه کل افراد، به انتخاب نمونه‌ای معرف از جوانان و والدین آن‌ها اقدام گردیده است.

روش نمونه‌گیری: در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۱ استفاده شده است. بر این اساس و با توجه به جدول برآورد حجم نمونه مقتضی برحسب دقت و میزان همگنی جمعیت که دواس ارائه داده است (۱۳۸۳: ۷۸-۷۹)، حجم نمونه ۱۰۰ جفت والدین و فرزندان را در برگرفته است اما برای افزایش دقت نمونه، حجم آن به ۱۲۰ جفت والدین (پدر و مادر واقع در سن ۶۰-۴۰ سال) و فرزندان

^۱ Multi Stage Cluster Sampling

همان خانواده (دختر و پسر واقع در سن ۲۴-۲۰ سال) افزایش یافته است. به این منظور مراحل زیر را طی کرده‌ایم:

در ابتدا سعی شد حجم کل نمونه در میان طبقات اجتماعی-اقتصادی مختلف در سطح شهر توزیع شود.

از هر یک از مناطق بالا، میانی و پایینی بین ۱۰ تا ۱۵ محله با توجه به حجم جمعیت نمونه مورد نظر به صورت تصادفی برگزیده شد.

از هر محله چند کوچه و خیابان فرعی انتخاب گردید.

در نهایت برای آن که سوگیری تشابه نمونه‌ها کاهش یابد از هر کوچه یا آپارتمان بیشتر از ۵ نمونه انتخاب نشده است.

به علاوه، سطح تحلیل شهر هشتگرد و واحد مشاهده در این پژوهش فرد می‌باشد.

اعتبار: در این پژوهش، از اعتبار محتوا استفاده شده است. به این منظور روش‌های زیر مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

پرسش‌های به کار رفته در پرسش‌نامه‌های مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق؛

کتاب‌های مرجع و معتبر حاوی پرسش‌نامه‌های استاندارد مرتبط با موضوع تحقیق؛

نظرات استادان متخصص و مجرب در زمینه موضوع مورد مطالعه به عنوان داور.

پایایی: سنجشی را دارای پایایی می‌گویند که در صورت تکرار آن در مواقع دیگر، به نتایج یکسان با آن برسند. در این رابطه برای ارتقای پایایی از روش‌های جمله‌بندی دقیق پرسش‌ها، تعلیم پرسش‌گران و طراحی روش کدگذاری استفاده شده است (دواس، ۱۳۸۳: ۳-۶۲).

جدول ۱. تعریف نظری و عملی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	تعریف نظری	تعریف عملی
ارزش‌های اجتماعی	آن چیزی که اکثریت یک گروه یا جامعه می‌گویند خوب یا بد است. به عبارت دیگر، وقتی یک ارزش به هنجار تبدیل شد و اکثریت جامعه آن پدیده را با ارزش تلقی نمودند، آن پدیده به ارزش اجتماعی یا ارزش هنجار شده تبدیل می‌شود (رفیع پور، ۱۳۷۹).	ملاک‌های انتخاب همسر (زیبایی یا نجابت، تحصیلات بالا یا اصالت خانوادگی، زیبایی یا اصالت خانوادگی، پولدار بودن یا اصالت خانوادگی، توانایی تأمین معاش یا نجابت، خوش اخلاقی یا اصالت خانوادگی، زیبایی یا تحصیلات بالا و...)، سن مناسب ازدواج پسر و دختر، معاشرت قبل از ازدواج دختر، ازدواج با اقوام و... که پس از جمع مقادیر مربوطه، میانگین مقدار عددی آن‌ها برای هر نسل محاسبه شده است.
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	رده‌بندی افراد از نظر میزان برخورداری از عوامل با ارزش اجتماعی - اقتصادی که با موقعیت منزلتی شامل هر عنصر نوعی زندگی انسان است که همراه با مقدار خاصی افتخار اجتماعی مثبت یا منفی است (ویر، ۱۹۹۶).	برای سنجش و رده‌بندی افراد از متغیرهای درآمد، منزلت شغلی و میزان تحصیلات افراد استفاده شده است. سپس براساس نتایج حاصل افراد در سه رده بالا، متوسط و پایین دسته‌بندی شده‌اند.
سطح تحصیلات	تعداد سال‌هایی که افراد در نظام آموزش رسمی درس خوانده و منجر به اخذ مدرک معتبر شده است.	افراد براساس سال‌های تحصیل رسمی به صورت دارای مدرک ابتدایی، سیکل، دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر دسته‌بندی شده‌اند. در نهایت، نیز سه رده تحصیلات پایین، متوسط و بالا در نظر گرفته شده است.
منزلت شغلی	میزان اعتبار اجتماعی که افراد جامعه برای پایگاه‌های شغلی و افراد اشغال‌کننده آن قایل هستند.	پس از مشخص شدن عنوان مشاغل جهت طبقه‌بندی آن‌ها از کار کاظمی پور و رجب‌زاده استفاده شده است (کاظمی پور، ۱۳۷۸؛ رجب‌زاده، ۱۳۸۱).
سن	تعداد سال‌های کامل از زمان تولد تا زمان مراجعه پرسش‌گر را در برمی‌گیرد.	جوانان ۲۵-۲۰ سال والدین ۶۰-۴۰ سال
درآمد	میانگین درآمد افراد پاسخ‌گو در یک ماه است.	براساس واحد یک هزار تومان به سه رده بالا، متوسط و پایین تقسیم شده است.
میزان مصرف رسانه‌ها	عبارت از بهره‌گیری وسایل ارتباط جمعی اعم از سمعی، بصری و الکترونیکی است.	میزان مدت استفاده برحسب دقیقه که میانگین بهره‌مندی کلی به دقیقه برای هر نسل محاسبه شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

الف. اطلاعات توصیفی: با نگاهی به جدول شماره ۱، می‌توان گفت که ۴۹/۲ درصد از پاسخ‌گویان (فرزندان) مرد و ۵۰/۸ درصد آن‌ها زن بوده‌اند. در حالی که، ۶۱/۷ درصد از پاسخ‌گویان (والدین) مرد و ۳۸/۳ درصد زن^۱ بوده‌اند. در مجموع، نسبت جنسی پاسخ‌گویان در دو نمونه مورد مطالعه با هم متفاوت و برعکس یکدیگر بوده است.

جدول ۲. ویژگی‌های نمونه (درصد ستونی)

والدین		فرزندان		نسل		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	متغیر		
۶۱/۷	۷۴	۴۹/۲	۵۹	مرد	جنس	
۳۸/۳	۴۶	۵۰/۸	۶۱	زن		
۲۵	۳۰	۴۰-۴۴	۲۸/۳	۳۴	۲۰	سن (سال)
۴۲/۵	۵۱	۴۵-۴۹	۴۵	۵۴	۲۱-۲۳	
۱۷/۵	۲۱	۵۰-۵۴	۲۶/۷	۳۲	۲۴-۳۰	
۱۵	۱۸	۵۵-۶۰				
۱/۷	۲	۳/۳	۴	بدون پاسخ		تحصیلات
۸/۳	۱۰	-	-	بی‌سواد		
۲۳/۳	۲۸	۰/۸	۱	ابتدایی		
۲۰/۸	۲۵	۶/۷	۸	سیکل		
۳۵	۴۲	۶۵/۹	۷۹	دیپلم و فوق دیپلم		
۱۰/۳۸	۱۳	۲۳/۳	۲۸	لیسانس و بالاتر		
۵۴/۲	۶۵	۴۳/۳	۵۲	شاغل		
۳/۴	۴	۲۱/۶	۲۶	بیکار		
-	-	۲۷/۵	۳۳	دانشجو		
۳۱/۷	۳۸	۷/۵	۹	خانه‌دار		
۱۰/۷	۱۳	-	-	دارای درآمد بدون کار		

^۱ علت بیشتر بودن مردان در نمونه والدین این است که شهر هشنگرد از یک طرف یک شهر مهاجرپذیر است و از سوی دیگر، با توجه به وضعیت سنتی جامعه، مردان برای پاسخ‌گویی آمادگی بیشتری داشته‌اند.

با توجه به ارقام مندرج در جدول شماره ۲، می‌توان گفت که در مجموع بین فرزندان در نمونه مورد مطالعه بیش از دوسوم (۷۷/۳ درصد) از آن‌ها ۲۳ سال و کمتر و در گروه والدین، ۶۷/۵ درصد از آن‌ها ۴۹ سال و کمتر داشته‌اند. این وضع نشان‌دهنده ساخت سنی جوان جمعیت کشور است. با توجه به یافته‌های کاظمی‌پور (۱۳۸۷) و براساس معانی اجتماعی همراه آن، می‌توان به برخی از ویژگی‌های این گروه سنی نیز اشاره کرد؛ از جمله رضایت از زندگی رو به کاهش؛ تحول نقش روزافزون مسایل اقتصادی در شکل‌دهی حساسیت‌های آنان؛ کاهش روزافزون بی‌اعتمادی به نهادهای کلان، افشار و صنوف و گروه‌های مرجع به همراه افزایش حساسیت نسبت به موضوعات و اخبار سیاسی کشور؛ وجود یک ویژگی متناقض‌نما در مورد تعلق به هویت ایرانی به این معنا که با وجود احساس تعلق بالا از یک سو، تمایل به ترک ایران و زندگی در کشورهای دیگر را در نظر دارند و در مقایسه با شبکه اقوام و خویشاوندان، اعتماد بیشتری به دوستان خود دارند (غلامرضا کاشی و گودرزی، ۱۳۸۴).

به علاوه، در گروه والدین بر اساس دسته‌بندی انجام شده در کتاب تجربه و خاطرات نسلی نیز بیشترین درصد و تعداد به گروهی مربوط است که بازیگر فعال انقلاب و جنگ بوده‌اند. این گروه بر اساس یافته‌های غلامرضا کاشی (بی‌تا)، یعنی افراد واقع در سنین کمتر از ۵۰ سال، اخلاق‌مدارتر، سنتی‌تر و محافظه‌کارتر بوده و به ارزش‌های اخلاقی پای‌بندی بیشتری دارند.

در مقایسه وضعیت تحصیلی دو نسل می‌توان به این نکات اشاره کرد: در نسل فرزندان، هیچ کس بی‌سواد نبوده است، در حالی که در نسل والدین ۸/۲ درصد بی‌سواد بوده‌اند. در نسل فرزندان حدود ۱۰/۸ درصد افراد دارای مدرک تحصیلی زیردیپلم بوده‌اند؛ در حالی که بیش از ۵۴/۳ درصد والدین مدرک تحصیلی زیر دیپلم داشته‌اند. ضمن آن‌که، در گروه مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر، تعداد و درصد فرزندان دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر بیش از دو برابر والدین است.

همان‌گونه که می‌دانیم آموزش و تحصیل از جمله عوامل مهم تأثیرگذار در تحول ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی است و می‌تواند تحولاتی تدریجی اما عمیق را در باب معیارهای تشکیل خانواده و انتخاب همسر در جامعه ایجاد کند.

با ملاحظه جدول یاد شده می‌توان گفت که در نسل فرزندان ۴۳/۳ درصد شاغل هستند. در حالی که در گروه والدین ۵۴/۲ درصد شاغل می‌باشند. ضمن آن که، در گروه فرزندان در مقایسه با والدین افراد فاقد کار و یا دانشجو درصد قابل توجهی را تشکیل می‌دهند. در مقابل، در مقوله خانه‌داری و افراد دارای درآمد بدون کار بیشترین درصد به گروه والدین و نه فرزندان تعلق دارد.

جدول ۳. سن مناسب ازدواج برای دختران و پسران از نظر والدین و فرزندان

والدین		فرزندان		سن مناسب ازدواج برای دختران
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۰	۳۶	۴۵/۸	۵۵	۲۰ سال کمتر
۶۱/۶	۷۴	۴۳/۴	۵۲	۲۱-۲۴ سال
۸/۴	۱۰	۱۰/۸	۱۳	۲۵ سال و بالاتر
				سن مناسب ازدواج برای پسران
۲۵/۸	۳۱	۱۶/۶	۲۰	۲۴ سال کمتر
۶۸/۳	۸۲	۷۶/۸	۹۲	۲۵-۲۹ سال
۴/۲	۵	۶/۶	۸	۳۰ سال و بالاتر
۱/۷	۲	-	-	بدون پاسخ

با نگاهی به ارقام جدول شماره ۳، می‌توان گفت که بیشترین درصد افراد نسل فرزندان، سن مناسب ازدواج را برای دختران ۲۰ سال و کمتر می‌دانند. در حالی که بیشترین درصد افراد نسل والدین سن ۲۱ تا ۲۴ سال را برای دختران مناسب می‌دانند. شاید دلیل تفاوت سن مناسب بین دو نسل، لزوم تهیه جهیزیه برای دختران توسط والدین باشد. در مورد سن مناسب ازدواج برای پسران، بیشترین درصد نسل فرزندان در گروهی قرار دارند که سن مناسب ازدواج پسران را ۲۹-۲۵ سال می‌دانند. در این باره

باید اشاره شود بیشترین درصد نسل والدین نیز به همین بازه سنی برای ازدواج پسران اشاره می‌کنند. البته سن مطلوب ازدواج برای دختران و پسران با روند میانگین سن ازدواج در کل کشور نیز انطباق دارد (میرزایی و همکاران، ۱۳۷۸؛ مقدس جعفری و همکار، ۱۳۸۵).

ضمن این که بیشترین اختلاف بین دو نسل در مورد سن مناسب ازدواج، در باب دختران است، که این امر مؤید بقایای این تفکر سنتی است که سن دختر در هنگام ازدواج باید کمتر از سن پسر باشد.

ب. یافته‌های تحلیلی

جدول ۴. ارجحیت معیارهای انتخاب همسر از نظر والدین و فرزندان

آماره	مقدار	فرزندان		والدین		نگرش نسلی معیار انتخاب همسر
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۰۲	$V=۰/۱۸$	۱۱/۷	۱۴	۲/۵	۳	زیبایی
		۸۶/۷	۱۰۴	۹۵	۱۱۴	نجات همسر
		۱/۶	۲	۲/۵	۳	بدون پاسخ
۰/۰۴	$V=۰/۱۶$	۲۰	۲۴	۱۰	۱۲	تحصیلات بالا
		۷۹/۱	۹۵	۸۶/۷	۱۰۴	اصالت خانوادگی
		۰/۹	۱	۳/۳	۴	بدون پاسخ
۰/۰۳	$V=۰/۱۶$	۱۳/۳	۱۶	۴/۲	۵	زیبایی
		۸۴/۲	۱۰۱	۹۴/۲	۱۱۳	اصالت خانوادگی
		۲/۵	۳	۱/۶	۲	بدون پاسخ
۰/۰۳	$V=۰/۱۶$	۲۴/۲	۲۹	۱۱/۷	۱۴	پولدار بودن
		۷۴/۲	۸۹	۸۷/۵	۱۰۵	اصالت خانوادگی
		۱/۶	۲	۰/۸	۱	بدون پاسخ
۰/۰۰۰	$V=۰/۴۹$ $Taub=۰/۱۷$	۶۷/۵	۸۱	۱۹/۲	۲۳	خوش اخلاقی
		۲۸/۳	۳۴	۷۶/۷	۹۲	اصالت خانوادگی
		۴/۲	۵	۴/۱	۵	بدون پاسخ
۰/۰۱	$V=۰/۲۳$	۳۶/۷	۴۴	۵۰/۸	۶۱	زیبایی
		۶۱/۷	۷۴	۴۰/۹	۴۹	تحصیلات بالا
		۱/۶	۲	۸/۳	۱۰	بدون پاسخ
۰/۰۳	$V=۰/۱۰۵$ $Taub=۰/۳$	۴۲/۵	۵۱	۳۴/۲	۴۱	توانایی تأمین معاش
		۵۳/۳	۶۴	۶۱	۷۲	اصالت خانوادگی
		۴/۲	۵	۵/۸	۷	بدون پاسخ
		۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۱۲۰	جمع

همان‌گونه که سیمای کلی جدول شماره ۴ نشان می‌دهد در باب ارجحیت معیار زیبایی یا نجابت همسر برای ازدواج، هم والدین (۹۵ درصد) و هم فرزندان (۸۶/۷ درصد) بر ملاک نجابت در مقایسه با زیبایی تأکید کرده‌اند. اما به نظر می‌آید نسل فرزندان کمتر از نسل والدین بر معیار نجابت در انتخاب همسر توجه دارند. این وضعیت با عنایت به مقدار آماره‌های حاکی از تفاوت معنادار نظر نسل فرزندان با نسل والدین است.

در مورد ارجحیت معیار تحصیلات بالا یا اصالت خانوادگی همسر مقادیر موجود در جدول شماره ۴ نشان از آن دارد که بیشترین درصد در هر دو نسل مربوط به معیار اصالت خانوادگی است (نسل والدین ۸۶/۷ درصد و نسل فرزندان ۷۹/۱ درصد).

اما آنچه بیانگر تفاوت دو نسل با یکدیگر در زمینه معیار انتخاب همسر است آن است که بیش از دو برابر نسل والدین، نسل فرزندان بر معیار تحصیلات بالا در انتخاب همسر تأکید می‌کنند (۲۰ درصد نسل فرزندان در مقابل ۱۰ درصد نسل والدین). این وضعیت احتمالاً مربوط به نقش تحصیلات بالا در زندگی و روابط اجتماعی جامعه امروز برای نسل فرزندان است. آماره‌های مربوط نیز مؤید تفاوت معنادار نظر والدین و فرزندان است.

در باب چگونگی ارجحیت معیار زیبایی یا اصالت خانوادگی نیز ارقام جدول یادشده گویای آن است که بیشترین درصد نسل والدین (۹۴/۲ درصد) و نسل فرزندان (۸۴/۲ درصد) در انتخاب همسر بر معیار اصالت خانوادگی همسر تأکید می‌کنند. در حالی که نزدیک به ۱۳/۳ درصد از نسل فرزندان در مقابل ۴/۲ درصد نسل والدین به معیار زیبایی در انتخاب همسر توجه می‌کنند. این وضعیت با توجه به مقدار آماره‌ها حاکی از تفاوت معنادار نظر نسل فرزندان با نظر نسل والدین در زمینه معیارهای انتخاب همسر است.

در مورد ارجحیت معیار پولدار بودن یا اصالت خانوادگی در انتخاب همسر ارقام جدول نشان‌دهنده آن است که بیشترین درصد نسل والدین (۸۷/۵ درصد) و نسل

فرزندان (۷۴/۲ درصد) بر معیار اصالت خانوادگی تأکید دارند. اما نکته جالب توجه آن است که نزدیک به دو برابر نسل والدین (۲۴/۲ درصد در مقابل ۱۱/۷ درصد)، نسل فرزندان بر معیار پولدار بودن در انتخاب همسر انگشت گذاشته‌اند. مقدار و سطح معناداری آماره‌های موجود نیز حاکی از وجود تفاوت معنادار نظر نسل فرزندان با نظر نسل والدین در این باب است.

مقادیر مربوط به ارجحیت معیار خوش اخلاقی یا اصالت خانوادگی در انتخاب همسر در جدول شماره ۴ بیانگر آن است که بیشترین درصد نسل والدین (۷۶/۷ درصد) بر اصالت خانوادگی و بیشترین درصد نسل فرزندان (۶۷/۵ درصد) بر معیار خوش اخلاقی در انتخاب همسر تأکید کرده‌اند. این امر بیانگر تفاوت بسیار نظر نسل فرزندان با نظر نسل والدین است. مقادیر و سطح معناداری آماره‌ها نیز مبین تفاوت معنادار نظر این دو نسل با یکدیگر است. به علاوه، در باب ارجحیت معیار زیبایی یا تحصیلات بالا در انتخاب همسر، مقادیر موجود در جدول نشان می‌دهد که بیشترین درصد نسل والدین بر معیار زیبایی (۵۰/۸ درصد) تأکید می‌کنند، در حالی که بیشترین درصد نسل فرزندان (۶۱/۷ درصد) به معیار تحصیلات بالا توجه می‌کنند. مقدار آماره‌های موجود در جدول مذکور بیانگر تفاوت معنادار نظر فرزندان با نسل والدین در باب معیارهای مذکور در انتخاب همسر است.

سرانجام مقادیر مربوط به ارجحیت ملاک توانایی تأمین معاش یا اصالت خانوادگی برای انتخاب همسر در جدول حاکی از آن است که بیشترین درصد نسل والدین (۶۰ درصد) بر ملاک اصالت خانوادگی همسر و بیشترین درصد نسل فرزندان (۴۲/۵ درصد) بر توانایی تأمین معاش همسر تأکید داشته‌اند. مقادیر و معناداری آماره‌ها نیز حاکی از تفاوت معنادار نظر نسل والدین و فرزندان در این زمینه است.

در یک جمع‌بندی کلی نیز می‌توان گفت که در زمینه معیارهای انتخاب همسر در بین دو نسل فرزندان و والدین شاهد یک تحول بطئی و کند هستیم. بدین ترتیب که اگرچه تفاوت قابل توجهی میان دو نسل - جز در دو زمینه یعنی تأکید بیشتر فرزندان بر

خوش اخلاقی و تحصیلات بالای همسر - وجود ندارد، در باب معیار اصالت خانوادگی این تفاوت نظر کمتر است. شاید این وضعیت انعکاسی از شرایط اجتماعی، دسترسی و برخورداری بیشتر نسل فرزندان از تحصیلات و استفاده بیشتر آن‌ها از وسایل ارتباط جمعی جدید مثل اینترنت، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و شرایط متفاوت جامعه‌پذیری در مقایسه با نسل والدین باشد.

جدول ۵. دیدگاه والدین و فرزندان در باب معاشرت قبل از ازدواج و ازدواج با فامیل

آماره		والدین		فرزندان		نگرش نسلی	
سطح معناداری	مقدار	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	متغیر	
۰/۰۱	V=۰/۲۲	۷۱/۸	۸۶	۸۵/۸	۱۰۳	موافق	وجود معاشرت قبل از ازدواج
		۸/۲	۱۰	۱۲/۵	۱۵	بی‌نظر	
		۲۰	۲۴	۱/۷	۲	مخالف	
۰/۰۴	V=۰/۲۲	۲۱/۶	۲۶	۸/۳	۱۰	موافق	ازدواج با فامیل
		۲۰	۲۴	۲۰/۸	۲۵	بی‌نظر	
		۵۸/۴	۷۰	۷۰/۹	۸۵	مخالف	
		۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰	۱۲۰	جمع	

همان‌گونه که ارقام موجود در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، بیشترین درصد نسل فرزندان (۸۵/۸ درصد) و نسل والدین (۷۱/۸ درصد) موافق معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج هستند. اما نکته مهم بالاتر بودن درصد بیشتر نسل والدین (۲۰ درصد) در مقایسه با نسل فرزندان (۱/۷ درصد) برای مخالفت با معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج است. مقادیر آماره‌های موجود همراه با سطح معناداری این آماره‌ها نیز حاکی از تفاوت معنادار نظر نسل فرزندان با نسل والدین در این زمینه است.

در باب ازدواج با فامیل نیز ارقام موجود در جدول حاکی است بیشترین درصد نسل فرزندان (۷۰/۹ درصد) و نسل والدین (۵۸/۴ درصد) مخالف ازدواج فامیلی هستند. نکته قابل توجه میزان بیشتر موافقت نسل والدین (۲۱/۶ درصد) با ازدواج فامیلی در

مقابل موافقت نسل فرزندان (۸/۳ درصد) با ازدواج فامیلی است. مقدار آماره‌ها و سطح معناداری نیز مؤید تفاوت معنادار نظر نسل فرزندان با نسل والدین در مقوله ازدواج فامیلی است.

ج. آزمون فرضیات براساس آزمون تی مستقل

جدول ۶. آزمون تی مستقل برای آزمون فرضیات تحقیق

متغیر	گروه‌های نسلی	میانگین	انحراف معیار	اختلاف میانگین	مقدار تی	سطح معناداری
ارزش‌های اجتماعی برای انتخاب همسر	فرزندان	۱۷/۴۲	۳/۰۳۳	-۳/۱۵	۷/۱۵	۰/۰۵
	والدین	۲۰/۵۷	۳/۳۰۴			
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	فرزندان	۳/۴۵	۱/۱۵	-۳/۸۸	۵/۹۶	۰/۰۰۰
	والدین	۷/۳۳	۱/۵۲			
میزان استفاده از رسانه‌ها	فرزندان	۲۳/۱۲	۴/۷۳	-۳/۸	۷/۵۱	۰/۰۰۷
	والدین	۱۹/۳۲	۳/۷۰			

با توجه به ارقام موجود در جدول شماره ۶، می‌توان گفت که مقدار تی مستقل (۷/۱۵) مربوط به ارزش‌های اجتماعی دو نسل مرتبط با معیارهای انتخاب همسر با سطح معناداری ۰/۰۵ حاکی از تفاوت معنادار ارزش‌های اجتماعی دو نسل در زمینه معیارهای انتخاب همسر است. بنابراین فرضیه‌های اصلی تحقیق تأیید شده‌اند. به عبارت دیگر، تفاوت ارزش‌های اجتماعی دو نسل در باب معیارهای انتخاب همسر از یک سو، به عنوان یک واقعیت وجود دارد و از سوی دیگر، این تفاوت به ویژگی‌های تاریخی، محیطی و شرایط اجتماعی شدن هر نسل مربوط می‌شود. هم‌چنین، مقدار تی مستقل مربوط به پایگاه اجتماعی و اقتصادی برابر ۵/۹۶ با سطح معناداری پی = ۰/۰۰۰ حاکی از تفاوت معنادار پایگاه اجتماعی و اقتصادی دو نسل فرزندان و والدین است که این وضعیت نیز فرضیه فرعی شماره یک تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهد. از سوی دیگر، میزان تی مستقل مربوط به استفاده دو نسل از رسانه‌ها با مقدار ۷/۵۱ و با معناداری

۰/۰۰۷= پی‌حاککی از تفاوت معنادار میانگین بهره‌مندی از رسانه‌ها در بین دو نسل است. این امر، به مفهوم تأیید دومین فرضیه فرعی تحقیق است.

اهمیت دسترسی و میزان استفاده از رسانه‌ها [به‌ویژه رسانه‌های دیداری - شنیداری و الکترونیکی از قبیل اینترنت می‌تواند قابل توجه باشد. برخی از محققان معتقدند که میزان «قرار گرفتن افراد در معرض تلویزیون» (یعنی زمانی که صرف تماشای آن می‌کنند) ویژگی زیربنایی و پایداری است و به لحاظ تأثیراتش بر گرایش‌ها و رفتار افراد، با برخی مشخصه‌های جمعیت‌شناختی نظیر سن و تحصیلات، قابل مقایسه است (گبتر و دیگران، ۱۹۷۹). چنین باوری را می‌توان در مورد رفتارهای رسانه‌ای دیگر نیز بیان کرد (مک کوایل، ۱۳۸۰: ۸۰).

بدین ترتیب، شاید بتوان گفت که با توجه به نقش نوساز و با اهمیت رسانه‌ها در تغییر و تحولات اجتماعی، به‌ویژه در حوزه تغییر ارزش‌های فردی و اجتماعی، از آن‌جا که نسل فرزندان در مقایسه با والدین براساس نتایج جدول شماره ۵، بیشتر از رسانه‌ها استفاده می‌کنند، ارزش‌های اجتماعی‌شان در زمینه انتخاب همسر تحت تأثیر رسانه‌ها، با والدین‌شان متفاوت است.

بحث و نتیجه‌گیری

ارزش‌های خانوادگی یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگی هر جامعه است و اتفاقاً یکی از ثابت‌ترین روندهای تحولات ارزشی و رفتاری را در حوزه نهاد خانواده شاهد هستیم. این ارزش‌ها و رفتارها بسیار متنوع‌اند و از تعلیم و تربیت فرزندان گرفته تا هنجارهای ازدواج، نومکانی، تعداد مطلوب فرزندان، نظام تصمیم‌گیری در خانواده و نگرش‌های جنسیتی را در برمی‌گیرند که البته عناصر مهم این ارزش‌ها و رفتارها برحسب نوع جوامع کم یا زیاد می‌شود. در پژوهش حاضر، ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با معیارهای انتخاب همسر برای تشکیل خانواده از جمله سن مناسب ازدواج پسر و دختر، ارجحیت زیبایی یا نجابت همسر، ارجحیت تحصیلات بالا یا اصالت خانوادگی

همسر، ارجحیت زیبایی یا اصالت خانوادگی همسر، ثروت یا اصالت خانوادگی همسر، اخلاق خوش یا اصالت خانوادگی همسر، زیبایی یا تحصیلات بالای همسر، معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر و ازدواج با فامیل از نظر دو گروه والدین و فرزندان مورد مطالعه قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که در باب موارد یادشده تفاوت معناداری بین نگرش والدین و فرزندان (جوانان) وجود دارد. گفتنی است نتایج حاصل از آزمون مستقل برخی متغیرها هم‌چون جنسیت پاسخ‌گویان در دو گروه از نمونه مورد مطالعه، یا پایگاه اجتماعی - اقتصادی آن‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین والدین و فرزندان (جوانان) در زمینه ارزش‌ها و نگرش‌ها در باب معیارهای اجتماعی انتخاب همسر وجود ندارد.

این یافته، به‌ویژه در باب جنسیت پاسخ‌گویان با یافته‌های پژوهش «بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران» از منوچهر محسنی در سال ۱۳۷۴ مطابقت دارد. اگرچه، برخی پژوهش‌ها از وجود تفاوت‌هایی بین دو جنس و برخی از عدم تفاوت دو جنس به لحاظ نگرش‌ها و ارزش‌ها سخن گفته‌اند (خلیفه، ۱۳۷۸: ۳۶).

بسیاری از تحقیقات، برخلاف پژوهش حاضر، در مورد ارزش‌های اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که بین جوانان برخاسته از طبقات اجتماعی - اقتصادی بالا و متوسط تفاوت معناداری وجود ندارد. اما، جوانان متعلق به طبقات اجتماعی - اقتصادی پایین با همگنان‌شان در طبقه بالا تفاوت معناداری دارند (ملکی، ۱۳۷۵). محسنی نیز در تحقیق «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران» در سال ۱۳۷۴ به این نتیجه رسیده است که سواد و درآمد عامل مهمی در تفاوت ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی ایرانیان است. به علاوه، یافته‌های حاصل از پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» موج دوم که توسط دفتر ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام گرفته است، نشان می‌دهد که عامل تحصیلات نقش تعیین‌کننده‌ای در کنار توسعه وسایل ارتباط جمعی و گسترش وسایل حمل و نقل و ارتباطات جاده‌ای در

تفاوت ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان داشته است. ضمن این‌که، افزایش سهم جمعیت جوان، تغییر ساختار خانواده و افزایش شهرنشینی نیز در این میان بر تغییر و تفاوت ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه به‌ویژه جوانان تأثیر غیرقابل انکاری داشته است. به عنوان مثال، افزایش نرخ باسوادی بزرگسالان از ۵۷/۱ درصد به ۷۴/۵ درصد در سال‌های ۷۶-۱۳۶۷، افزایش نرخ ثبت نام دانشجویان در مراکز آموزش عالی طی سال‌های ۷۶-۱۳۶۷ از ۶/۸۹ به ۱۸/۱۷ درصد، افزایش نرخ ثبت نام ناخالص در آموزش متوسطه طی سال‌های یادشده از ۵۲/۷ درصد به ۷۷/۵ درصد، حاکی از افزایش نرخ و نسبت آموزش عالی در مقایسه با سایر مقاطع تحصیلی است (سازمان برنامه و بودجه و سازمان ملل متحد، ۱۳۷۸: ۱۰۵-۱۰۶). افزایش نرخ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و افزایش چشم‌گیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه آموزش، نشانگر تحول شگرف جامعه ایرانی در زمینه آموزش است. سطح متفاوت بهره‌مندی نسل جدید از آموزش این انتظار را ایجاد خواهد کرد که با سطح متفاوتی از انتظارات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری روبه‌رو باشیم (غلامرضا کاشی و گودرزی، ۱۳۸۴).

براین اساس، می‌توان گفت همان‌گونه که اینگلهارت نیز اشاره کرده است رشد سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش و اشاعه رسانه‌های جمعی منجر به تغییر ارزش‌ها می‌شود. به علاوه، اینگلهارت و آبرامسون در تئوری تغییر ارزش بین نسل‌ها به افزایش سطح تحصیلات به عنوان یک عامل عمده در تغییرات اشاره می‌کنند. افزایش تحصیلات رسمی و تجارب شغلی به افراد کمک می‌کند استعدادهای خود را جهت تصمیم‌گیری مستقل افزایش دهند (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰). از سوی دیگر، در باب رشد وسایل ارتباط جمعی در کشور، علاوه بر امکان دسترسی به رسانه‌هایی نظیر ماهواره و ویدیو، ساعات تولید و پخش برنامه در شبکه‌های مختلف سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ به‌طور متوسط سالانه ۲۲/۹ درصد افزایش یافته است. میزان تولید برنامه در صدای جمهوری اسلامی نیز به ۴۵۵۳۰ ساعت در سال ۱۳۶۸ رسیده است. مطبوعات سالانه به‌طور متوسط ۲۳/۸ درصد رشد داشته‌اند. رشد

انتشار کتاب و فیلم و از همه مهم تر گسترش دسترسی به اینترنت نشان دهنده تحول قابل توجه در گسترش وسایل ارتباط جمعی است (غلامرضا کاشی، بی تا: ۳۳-۳۴). بدین ترتیب می توان گفت از آن جا که رسانه ها اغلب جایگاه بروز تحول، چه در زمینه هنر و اشکال نمادین آن، و چه در زمینه مدها، خلق و خوها، شیوه های زندگی و هنجارها در فرهنگ اند، داوری های ارزشی و هنجاری خود را به صورتی غیرقابل تفکیک و مخلوط با برنامه های سرگرم کننده بیان می کنند (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۲۲). لذا می توان گفت همان گونه که یافته های تحقیق حاضر نیز نشان می دهد، فرزندان بیش از والدین از رسانه ها استفاده می کنند و در نتیجه بر همین اساس در مقایسه با والدین مدرن تر هستند. سرانجام، در یک جمع بندی کلی تفاوت ارزش ها و نگرش های والدین و فرزندان در باب معیارهای انتخاب همسر مؤید دیدگاه اینگلهارت است. به علاوه، یافته های تحقیق حاضر نشان دهنده آن است که فرزندان برخلاف والدین در جامعه مورد مطالعه، ارزش های مادی را در انتخاب همسر بر ارزش های فرامادی ترجیح می دهند. در نتیجه، برای جلوگیری از تبدیل شدن تفاوت نسلی به شکاف و تضاد نسلی در فرآیند جامعه پذیری فرزندان، نسل والدین می توانند به گونه ای عمل کنند که ضمن حفظ تعلق به فرهنگ نسل خود، در فرهنگ ماورای نسل خود نیز سهم شونند و بدین ترتیب تفاوت نسلی خود را با نسل فرزندان شان (جوانان) به حداقل ممکن برسانند (بالس، ۱۳۸۰: ۲۵-۲۷). سرانجام، می توان گفت یافته های این تحقیق نیز بیانگر تفاوت و نه شکاف نسلی بین والدین و فرزندان در شهر هشتگرد است که مؤید یافته غالب تحقیقات انجام گرفته و تا حدی دیدگاه مید و اینگلهارت و ناقض دیدگاه بوردیو است.

منابع

اسدی، علی و منوچهر محسنی (۱۳۵۶) *گرایش های فرهنگی و نگرش های اجتماعی در ایران*، تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.

اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.

اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) «جهانی شدن و ارزش‌های پست مدرن»، ترجمه ایرج فیضی، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، شماره ۶، تابستان: ۸۲-۹۰.

بالس، کریستوفر (۱۳۸۰) «ذهنیت نسلی»، ترجمه حسین پاینده، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۹، زمستان: ۱-۲۹.

تیموری، کاوه (۱۳۷۷) «بررسی نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

توکل، محمد و مریم قاضی‌نژاد (۱۳۸۵) «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو»، نامه علوم اجتماعی، شماره پیاپی ۲۷: ۹۵-۱۲۴.

توکل، مهناز (۱۳۸۰) «ارزش‌های مذهبی دو نسل دختران و مادران: شکاف یا پیوستگی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱: ۹۷-۱۲۳.

توکل، مهناز (۱۳۷۸) بررسی نظام ارزش‌های دو نسل: دختران (نسل انقلاب) و مادران در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

جلیلی، هادی (۱۳۷۷) شکاف نسل‌ها، پیش و پس از انقلاب اسلامی، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جلیلود، شیرین (۱۳۷۶) بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران نسبت به ارزش‌های اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکز.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نی.

چلبی، مسعود (۱۳۸۳) چهارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خلیفه، عبداللطیف محمد (۱۳۷۸) بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها، ترجمه سیدحسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.

داریاپور، زهرا (۱۳۸۱) «بررسی رابطه اولویت‌های ارزشی شهروندان با جنسیت»، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳، پاییز: ۹۲-۱۲۵.

دواس، دی، ای (۱۳۸۳) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۹) کندوکاوها و پنداشته‌ها، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۱) رفتارهای فرهنگی ایرانیان، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

روشه، گگی (۱۳۶۶) کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی.

زارع، بیژن (۱۳۸۴) جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی، تهران: سمت.

سازمان برنامه و بودجه و سازمان ملل متحد (۱۳۷۸) اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

عباسی، علی اصغر (۱۳۸۰) تضاد والدین و فرزندان از نظر والدین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

عظیمی‌هاشمی، مژگان (۱۳۷۷) ارزش‌های اجتماعی و اولویت‌های ارزشی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

غلامرضا کاشی، محمدجواد و محسن گودرزی (۱۳۸۴) «نقش شکاف‌انداز تجربیات نسلی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶: ۲۹۲-۲۵۱.

غلامرضا کاشی، محمدجواد (بی‌تا) گسست و تداوم نسلی، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کاظمی‌پور، عبدالمحمد (۱۳۸۷) نسل ایکس: بررسی جامعه‌شناختی نسل جوان ایرانی، تهران: نی.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۷۸) «الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴: ۱۳۹-۱۷۲.

لاور، رابرت اچ (۱۳۷۳) دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) نتایج آمارگیری از خصوصیات اجتماعی - اقتصادی خانوار (سال ۱۳۷۴)، تهران: مرکز آمار ایران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۴) بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در سطح تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲) مخاطب‌شناسی، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ملکی، امیر (۱۳۷۵) بررسی رابطه پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مید، مارگارت (۱۳۷۴) فرهنگ و تعهد، مطالعه‌ای در شکاف نسل‌ها، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و فهیمه سیوشی، اراک: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مرکزی.
- میرزایی، محمد و همکاران (۱۳۷۹) جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران: تبلیغ بشری.
- مقدس جعفری، محمدحسن و علی یعقوبی چوبری (۱۳۸۵) «تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال اول، شماره ۲: ۸۹-۱۱۰.
- ولز، کریس و همکاران (۱۳۸۲) توسعه انسانی: نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۲) شکاف بین نسل‌ها، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

Bell, D (1973) *The Coming of Postindustrial Society*, New York: Penguin.

Borgatta, Edgar F & Mariel, Borgatta (1992) *Encyclopedia of Sociology*, New York: Macmillan Publishing Company.

Bourdieu, Pierre (1984/2002) *Questions de sociologie*, les éditions deminuit 7, Paris: Rue Bernard Palissy.

Chiot, D (1986) *Social Change in the Modern Era*, Orlando: Harcourt Brace Jovanovich.

- Coleman, J. S. (1988) "Social Capital and the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, 94 (supplement): 95-120.
- Cilelie, Meral & Esion Tezer (1998) "Life and Value Orientations of Turkish University Students", *Adolescence*, 33: (129).
- Diepstraten, Isabelle & Peter Easter (1999) "Talking about My Generation, Ego and Alter Images of Generations in the Netherlands", *Netherlands Journal of Social Sciences*, 35 (2): 91-109.
- Estes, R. J. (1998) "Trends in Worlds in Social Development", *Journal of Developing Societies*, 14 (1): 11-38.
- Eckstein, H. S. (1988) "A Culturalist Theory of Political Change", *American Political Science Review*, 82 (4): 789-804.
- Feather, Nurman (1975) *Value in Education and Society*, New York: Free Press.
- Ferrari, More (2000) "Generations and Value Change Across Time", *International Review of Sociology*, 10: 223-233.
- Gerbner, G., L. Gross, M. Morgan, N. Signorielli, & M. Jackson-Beek (1979) "The Demonstration of Power: Violence Profile No. 10", *Journal Of Communication*, 29 (3): 177- 196.
- Hughes, B. B. (1999) *International Futures* (3rd ed.), Boulder: West View Press.
- Inglehart, R. & Baker, W. E. (2000) "Modernization, Cultural Change and The Persistence of Traditional Values", *American Sociological Review*, 85 (February): 19-51.
- Lewis, W. A. (1955) *The Theory of Economic Growth*, Homewood: Richard D. Irvin.
- Moore, Melanie (1999) "Value Structures and Priorities of Three Generations of Japanese Americans", *Sociological Spectrum*, 19 (1): 119-132.
- Mukhi, H. R. (1995) *Social Structure Change*, Delhi: Surjeet Book Depot.
- Perkin, H. (1996) *The Third Revolution*, London: Rutledge.
- Randall, V. & Theobald, R. (1998) *Political Change and Underdevelopment*, Durham: Duke University Press.
- Rokeach, Milton (1968) *Beliefs, Attitude and Values: A Theory of Organization and Change*. Sanfransisco: Jossey Bass Publishers.

- Rokeach, Milton (1973) *The Nature of Human Values*, New York: Free Press.
- Rempel, F. Warren (1965) *The Role of Value in Karl Mannheim Sociology of Knowledge*, London: Mouton & Co. Publishers.
- Schwartz, Shalom H & Etta Prince-Gibson (1998) "Value Priorities and Gender", *Social Psychology Quarterly*, 61 (1): 49-67.
- Turner, Bryan S (1998) "Aging Generations", *British Journal of Sociology*, 46 (2): 299-304.
- Weber, Max (1954) *The Protestant Ethic and the Sprit of Capitalism*, Boston: Allen and Unwin.
- Weber, Max (1996) "The Distribution of Power in the Political Community: Class, Status, Party, in John Scott (ed.), *Class, Vol. 1*, London: Rutledge.

